

فصلنامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال دوم، شماره ۸، زمستان ۱۳۹۵

اشکانیان در میانه روم و چین: مأموریت گان یینگ به غرب (سده یکم)^۱

لئوناردو گرگوراتی^۲

ترجمه کلثوم غضنفری^۳ و احسان الله سبط الشیخ^۴

تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۲۴

چکیده:

در پایان سده یکم میلادی، شاهنشاهی اشکانی در نتیجه توسعه امپراتوری چینی هان^۵ به سمت غرب وارد افق سیاسی چین شد. گان یینگ فرستاده چینی در رأس مأموریتی دیپلماتیک قرار گرفت که هدف آن برقراری تماس مستقیم و روابط تجاری با امپراتوری روم، که مقصد نهایی بیشتر کالاهایی که چین به غرب صادر می کرد، بود. گان یینگ توانست به بین النهرین جنوبی که تحت کنترل اشکانیان بود، برسد. او با وجود اینکه به مرزهای روم بسیار نزدیک شده بود، نتوانست پیش تر برود و مأموریت خود را به انجام رساند. راهنمایان اشکانی از نقش تجاری که بین روم و چین بازی می کردند، به خوبی آگاه بودند و او را از پیشروی بازداشتند. این رویداد تا حد زیادی نامشخص ولی فوق العاده جالب در تاریخ قدیم آسیا، شاهدی مستقیم از نقش سیاسی و تجاری دولت اشکانی، دشمن مهیب روم در آسیای مرکزی و در امتداد جاده ابریشم به دست می دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

این مقاله ترجمه ای است از: 1

The Parthians between Rome and China. Gan Ying's mission into the West (1st century AD). *Academic Quarter: Journal for humanistic research* 4: 109-120.

2 Leonardo Gregoratti

۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران k.ghazanfari@ut.ac.ir

۴. کارشناس تاریخ از دانشگاه تهران ed.sebt@gmail.com

5. Han

در آغاز دهه ۱۹۴۰ پژوهشگر چین‌شناس هومر اچ. دابس^۱ این احتمال را مطرح کرد که گروه کوچک صدنفره‌ای که به مانند فلس‌های ماهی^۲ آرایش شده بودند و بر اساس منابع چینی توسط سواره‌نظام هان در نبرد رودخانه تالاس^۳ در قزاقستان شرقی در هم کوبیده شدند (۳۶ ق. م.)، مرکب از لژیون‌های رومی اسپر شده توسط اشکانیان در نبرد کرهه^۴ بودند که چندین سال پیش از آن تاریخ (۵۳ ق. م.) اتفاق افتاده بود. این گروه توسط ژیزی^۵، رئیس قبیله‌ای از بربرهای خیونگ‌نو^۶، به عنوان مزدور مورد استفاده قرار می‌گرفت. بنا به گفته دابس، این سربازان از سر حد رودخانه فرات که حاشیه قلمرو رومی‌ها را در پی تلاش کراسوس^۸ برای فتح پارت (۵۴ ق. م.) نشان می‌داد، گذشتند. در پی شکست کرهه، آنها همانگونه که پلینی گزارش کرده است^۹ به شهر اشکانی مرو در آسیای مرکزی (امروزه در شرق ترکمنستان) فرستاده شدند و توسط قبایل محلی به عنوان مزدور به استخدام درآمدند. آنها که این بار در تالاس شکست خوردند، بعدها توسط چینی‌ها به خدمت گرفته و به چین فرستاده شدند.

با وجود اینکه فرضیه دابس بزودی صرفاً یک حدس در نظر گرفته شد، اما با افزایش توجه عمومی نسبت به تاریخ و فرهنگ چین در اروپا در سال‌های اخیر، ایده او نیز حامیان جدیدی یافته است. در روستای لیکیان^{۱۰}، ناحیه یانگ‌چانگ^{۱۱}، شمال غربی چین که ساکنین آن مدعی داشتن تبار رومی هستند، فستیوال‌های رومی مرتباً توسط اداره گردشگری محلی سازماندهی می‌شود. اخیراً برخی نویسندگان جدید نیز ایده جالب یادشده را اخذ کرده و از آن به عنوان پس‌زمینه چند رمان کاملاً موفق بهره برده‌اند.^{۱۲}

1. Homer H. Dubs

fish scale^۲؛ ظاهراً گونه‌ای از آرایش نظامی بوده که از پولک‌ها یا فلس‌های روی تن ماهی الگو گرفته شده بود (م.).

3. Talas

4. Carrhae

5. Zhizhi

6. Xiongnu

7. Dubs, 1941; Dubs, 1942; Dubs, 1957.

8. Crassus

9. Plin., Nat., Hist., VI, 47.

10. Liqian

11. Yongchang

۱۲. به عنوان نمونه در مورد سرباز رومی همراه با امپراتور والرین که توسط ایرانیان دستگیر شد و سفر او به چین بعد از فرارش ر.ک.

Valerio Massimo Manfredi, *Empire of Dragons*, 2005.

در مورد سفر سناتور رومی و برده اشکانی او به چین در دوره مارکوس اورلیوس ر.ک.

روم و چین، امپراتوری‌های عقاب و اژدها، دو دولت عمده دنیای باستان بودند. همچنین به یک اندازه در اذهان غربی‌ها و آسیایی‌های جدید، امپراتوری‌های عالی بشمار می‌روند. آنها نخستین دولت‌هایی بودند که عناصر گوناگون محلی را در یک ساختار سیاسی پایدار متحد کردند و به طور عمیقی بر فرهنگ و تمدن این دو بخش متفاوت دنیا اثر گذاشتند. به همین دلیل مدل و شیوه حکومت آنها پس از قرن‌ها در اروپا و آسیا، به عنوان منبعی از الهام برای همه نهادهای سیاسی بوده است که جانشین آنها شده‌اند و سعی کرده‌اند تا خود را به عنوان وارثان مشروع میراث تاریخی آنها نشان دهند. امپراتوری روم و امپراتوری آسمانی^۱، امروزه هم تجسم مدل اولیه و تاریخی هر ساختار دولتی به‌شمار می‌روند.^۲

بر این اساس، توجه و علاقه برای ایجاد ارتباط و مبادله بین این قدرت‌های سیاسی، که دو اساس تجربه تاریخی در غرب و شرق دور بودند، بیشتر قابل فهم است. اطلاعات ارائه شده توسط منابع غربی درباره اهمیت ابریشم و دیگر کالاهایی که از شرق به امپراتوری روم وارد می‌شد نشان می‌دهد که بدون شک روابط تجاری مستقیمی وجود داشته است. کالاها بین تجار در امتداد شبکه‌ای از راه‌ها مبادله می‌شد که بعدها به عنوان «جاده ابریشم» معروف شد. طبعاً بازرگانان فعال در امتداد این مسیر باعث جابجایی کالاها در طول بخش مشخصی از مسیر می‌شدند. آنها معمولاً توسط حکومت‌های مستقر در مسیرهای رفت و آمد که مالیات بر کالاها در فاصله طولانی تجارت بین شرق و غرب، منبع مهمی از درآمد برای آنان به حساب می‌آمد، پشتیبانی می‌شدند.^۳

مهمترین و نیرومندترین این حکومت‌ها که در موقعیتی استراتژیک، بر مسیری قرار داشت که قلمروهای رومی را به چینی می‌پیوست، شاهنشاهی اشکانی بود.^۴ شاهنشاهی اشکانی (آنشی^۵ در منابع چینی) چند دهه پس از مرگ اسکندر (در قرن سوم پیش از ق. م.) در آسیای مرکزی، در منتهی‌الیه مرزهای امپراتوری سلوکی تأسیس شده بود. شاهان آن اعضای سلسله اشکانی و توانسته بودند از ضعف خاندان سلوکی و از هم گسیختگی متعاقب آن دولت بزرگ هلنیستی بهترین بهره را ببرند. آنها سلطه خود را بر

Michael E. Anderson, *The Parthian Interpreter*, 2007.

1. Celestial Empire

۲. برای مطالعات تاریخی تطبیقی در این مورد ر.ک.

Roberts, 2003; Edwards, 2005; Hui, 2008; Mittag, Mutschler, 2008; Scheidel, 2009.

۳. برای نقشه ر.ک.

<http://americanhistory.si.edu/collections/numismatics/parthia/frames/pamaec.htm>

۴. برای تاریخ شاهنشاهی اشکانی ر.ک.

Debevoise, 1938; Schippmann, 1980; Bivar 1983; Dabrowa 1983; Fry, 1984; Wolski, 1993; Wieshoefer, 1994; Hack, Jacob and Weber, 2010.

5. *Anxi*

قلمروهای وسیع آسیای جنوبی گسترش داده بودند. سواره‌نظام اشکانی پس از تسلط بر همه فلات ایران، بابل و بین‌النهرین، بر ساحل شرقی رود فرات، مرز غربی توسعه دولت اشکانی (قرن دوم ق. م.) متوقف شده بود. قلمرو اشکانی از رود فرات تا شمال‌غربی هند گسترده بود و شامل بین‌النهرین، ایران و همه قلمروهایی که بین خلیج فارس، اقیانوس هند در جنوب و دریای کاسپی و قفقاز در شمال بود، می‌شد. از آن زمان برای بیش از سه قرن، اهداف توسعه‌طلبانه روم در بین‌النهرین و در شرق شدت در تقابل با اشکانیان قرار گرفت.

شهر سلوکیه بر کران دجله، یک مادرشهر غنی و پرجمعیت نزدیک به مهمترین مراکز شاهنشاهی اشکانی^۱، مکانی مهم و مورد استفاده برای جابجایی افراد و کالاها بین ایالات شرقی اشکانی، آسیای مرکزی و سوریه رومی به شمار می‌رفت. از این مادرشهر هلنیستی، جاده بسمت شمال و بسوی پایتخت‌های قدیمی اشکانی می‌رفت. پس از عبور از آنها، در ماورای تپه‌های قلمرو اشکانی، استپ‌های بیکرانه آسیایی بودند. بسمت شمال، این جاده به اکباتان، ری، نیسا و مرو، مولو^۲ در منابع چینی، می‌رسید.^۳

در مرو، جاده ابریشم از قلمروهای اشکانی خارج شده و در دو شاخه مجزا به ترتیب بسمت شمال و جنوب صحرای تاکلاماکان^۴ منشعب می‌شد. پس از عبور از صحرا، این دو در نزدیکی کوه‌های آلتایی به هم می‌پیوستند و سپس وارد قلمرو چینی‌ها می‌شد.^۵ به احتمال بسیار بازرگانان، افراد تابع شاهنشاه بودند که حمل‌ونقل از ترکمنستان شرقی به سلوکیه را برعهده داشتند.^۶ همانطور که به سادگی می‌توان دریافت، برای اطمینان از ادامه چنین فعالیتی و سود عمده آن برای حکومت اشکانی، ممانعت از هر گونه رابطه‌ای

1. Strab.XVI, 2.5; Plut., Crass., 32; Plin., Nat.Hist., VI, 122; Paus., I, 6.3.

2. Mu-lu

3. Isodor.Mans.Parth., c.7-14; Hou Hanschou, c.88.2918; Chaumont, 1973; Walser 1985.

4. Taklamakun

5. Choisnel, 2004, 63-65.

6. پارت برده، ابریشم خام و فولاد وارد می‌کرد (Plin., Nat., Hist., XV, 44; XXXIV, 145). از جمله واردات اسب‌های ماد بودند که بسیار مورد توجه چینی‌ها بود و اسب‌های آسمانی نامیده می‌شدند.

Hauszig, 1992, 126-130; J.Wiesehofer, 2001.

بازرگانان در مکانی به نام "برج سنگی" یکدیگر را ملاقات می‌کردند. (Plin., Nat.Hist., VI, 54-55; Loewe). (1971).

بین دو شریک عمده تجاری، یعنی چین و روم، و توافق تجاری بین این دو امپراتوری که می‌توانست بازرگانان اشکانی را از تجارت کاروانی در این مسیر طولانی بازدارد، ضروری می‌نمود. البته بازرگانان زیادی در این مسیرهای تجاری فعال بودند و برخی از آنها اطلاعاتی پیرامون نقاط دورافتاده‌ای که دیده‌اند، ارائه کرده‌اند و وقایع‌نگاران و جغرافی‌دانان رومی، و همچنین چینی، برای آثارشان به آنها احتیاج داشته‌اند. یکی از ارزشمندترین منابع، هرچند تا حد زیادی ناشناخته مانده، گزارشی است که یک فرستاده چینی بدست داده است. این گزارش به سفر یک مأمور دیپلماتیک چینی می‌پردازد که توانسته بود به مناطقی برسد که هیچ دیپلمات چینی دیگری پیش از این ندیده بود. این گزارش حاوی یکی از چند نمونه اسناد دست اول از سفر در امتداد جاده ابریشم است و پرتویی به نقش اساسی اشکانیان به عنوان یک مانع سیاسی غیرقابل غلبه در رابطه بین دو امپراتوری می‌افکند. با یک رشته عملیات بسوی غرب و توسعه متعاقب مرزهای دولت هان توسط فرمانده چینی، بان ژائو^۱ (بین ۹۱ و ۱۰۱ میلادی) و پسرش بان‌یانگ^۲، شاهنشاهی اشکانی وارد صحنه سیاسی امپراتوری آسمانی شد.^۳ هدف فرمانده آسیایی، گسترش تسلط چین در امتداد مسیرهای تجاری آسیای مرکزی برای حفظ کارایی آنها و برحذر داشتن قبایل صحرانشین (نظیر هون‌ها^۴، در منابع چینی هسیونگ - نو^۵) از تداخل و مزاحمت در رابطه با غرب بود که از طریق آن ابریشم چینی به قلمرو اشکانی یا بندرهای هندی می‌رسید. پس از یک رشته عملیات نظامی عمده، چینی‌ها توانستند جاده ابریشم را بازگشایی و ارتباط زمینی مستقیمی بین چین و شاهنشاهی اشکانی برقرار کنند.^۶ ولی طرح‌های بان ژائو از این هم بلندپروازانه‌تر بود. در حدود سال ۹۷ میلادی، بان ژائو مقام مهمی به نام گان‌یینگ را در رأس مأموریتی دیپلماتیک اعزام کرد تا همه تلاش خود را مصروف برقراری تماس و روابط تجاری با قلمرویی کند که چینی‌ها تصور می‌کردند مقصد نهایی بیشتر کالاهایی است که به غرب صادر می‌کنند - پادشاهی داکوین^۷: امپراتوری

1. Ban Zhao

2. Ban Yong

3. Chavannes, 1906, 216-245; Chavannes, 1907, 177-178; Grosso, 1966, 157-161; Wolski, 1993, 16; Choissnel, 2004, 147-149, 152-153.

4. Huns

5. Hsiung-nu

6. Chavannes, 1906, 228-233; Grosso 1966, 162-167.

7. Da Quin

روم.^۱ توصیفات وی بعدها در اثر تاریخی عمومی تری به نام، هو هانشو^۲، سالنامه‌های رسمی هان متأخر، جمع‌آوری شد.^۳

گان‌بینگ اظهار می‌دارد غربی‌ترین محلی که در مأموریتش توانست به آن برسد، کشور تیائوژی^۴ بود که بیشتر محققین جدید آن را مسنه^۵ در سواحل شمالی خلیج فارس، نقطه ورود مسیرهای دریایی از شبه قاره هند، می‌دانند.^۶

شرح مشخصات انسانی و توپوگرافی این منطقه توسط گان‌بینگ، اشتراکاتی با توصیفات مسنه در جغرافیای طبیعی اثر پلینی، که متعلق به چند سال پیش از او بود، دارد.^۷ در روزگار باستان، این سرزمین به عنوان مرکز شاهک‌نشین اشکانی، خاراسنه شناخته می‌شد^۸، مکانی که در تعاریف تاریخی پیشین چینی‌ها از منطقه نیز گزارش شده بود.^۹

بنا بر گزارش گان‌بینگ، به نظر می‌رسد در آن سال‌ها شاهنشاه اشکانی بر این منطقه اعمال سلطه می‌کرده است. بر اساس مطالب هو هانشو: «بعدها آتشی^{۱۰} (شاهنشاهی اشکانی) تیائوژی (خاراسنه) را فتح و به

1. Choissnel, 2004, 153-154.

2. Hou Hanshou

3. Hou Hanshou, c.88.2918;

مجموعه the Annal of the Later Hans بین قرون چهارم و پنجم میلادی نگاشته شده و به عنوان منبع گزارش‌های افسران امپراتوری از دوره‌های پیشین سلسله هان استفاده می‌شود.

Chavannes, 1906, 214; Chavannes 1907, 149-151; Leslie and Gardiner, 1984, 282-284.

4. Tiaozhi

5. Mesene

6. Chavannes, 1907, 177-178; posch, 1998, 361.

7. Plin., Nat.Hist., VI, 125; 136.

۸. در مورد این مسأله که خاراسنه به عنوان یک مرکز هم به حیات خود ادامه داد. ر.ک.

Nodelmann, 1960 and Schuol 2000

9. Shiji, chap.123.3163;

شی‌جی یک سالنامه سلسله‌ای است که در قرن اول ق.م. توسط Sima Qian تالیف شده است؛

Chavannes 1907, 176-177; Grasso, 1966, 167-169; Leslie and Gardiner 1984, 268-270; Posch, 357-359; Tao 2007, 88-92.

10. Anxi

انقیاد درآورد. آنها در حقیقت در آنجا فرمانده ارشدی برای نظارت بر همه شهرهای کوچک منصوب کرده‌اند» (tr. J. E. Hill)^۱

به نظر می‌رسد گان‌یینگ وضعیت سیاسی را دقیق ثبت کرده است. ظاهراً اشکانیان همهٔ منطقه را به اشغال نظامی درآورده، مسنه را به یک ایالت اشکانی تبدیل و فرماندهی نظامی را مسئول مناطق با اهمیت اقتصادی عمده همچون بنادر و لنگرگاه‌های سواحل رودخانه‌ها و شهرها کرده بودند.^۲ از تواریخی که توسط فرستاده بانژائو گزارش شده است، می‌توان فاصله‌ای را دریافت که سکه‌زدن پادشاهی مستقل خاراسنه در آن سالها بدلیل اشغال نظامی یا حتی سیاسی فرمانروایی مقتدر متوقف شده بود. بنادر خاراسنه در آن زمان، بنداری اشکانی شده بودند و سیستمی که به تنظیم و کنترل معاملات و جابجایی‌های تجاری می‌پرداخت، به طور مستقیم در مقابل شاهنشاه یا نماینده نظامی وی در منطقه پاسخگو بود. با در نظر گرفتن اهداف مأموریت گان‌یینگ، می‌توان حدس زد که مراجعه به اعضای طبقه حاکم اشکانی در تیسفون، مرکز ثقل دولت آنشی، برای جلب همکاری آنان بی ثمر بوده است.^۳ همانطور که بنظر می‌رسد چینی‌ها بخوبی از این مساله آگاهی داشتند^۴ که شاهان اشکانی هرگز تماس بین دو قدرت اقتصادی عمده دنیای شناخته‌شده را، یکی تولیدکننده و دیگری خریدار عمده بیشتر کالاهایی را که از قلمرو اشکانی رد می‌شد، تسهیل نمی‌کرد.

برای شاهنشاه، مساله‌ای که حیاتی و دارای اهمیتی فوق‌العاده بود ممانعت از ایجاد روابط دیپلماتیک دوجانبه‌ای بین دو کشور یادشده و عدم امکان ملاقات بازرگانانی که از دو امپراتوری می‌آمدند، بود. در صورت چنین اتفاقی، این خطر حس می‌شد که در پرتو منابع فوق‌العاده و نامحدودی که دولت از آن برخوردار بودند، توافق و همکاری مستقیمی بین رومی‌ها و چینی‌ها صورت گیرد و بازرگانان اشکانی را از تجارت در مسیر طولانی بین شرق و غرب بازدارد و نقش آنها به عنوان واسطه و درآمدهای زیاد ناشی از

1. Hou Hanshou, c.88.2918

۲. پژوهشگران هنگام استفاده از منابع چینی باید نهایت دقت خود را انجام دهند، زیرا مولفان متاخر بر اطلاعات مورخان آغازین اضافه یا تفسیر کرده‌اند و گزارش‌های آنان را با داده‌های جدید آمیخته‌اند.

3. Leslie and Gardiner, 1984, 287-288.

4. Hou Hanshou, v.88.2919:

«شاه این کشور (امپراتوری روم= DaQuin) همیشه تمایل داشت که سفیرانی به نزد هان بفرستد اما دولت اشکانی تمایل داشت که تجارت ابریشم‌های چینی رنگارنگ را تحت نظارت خود داشته باشد، این دولت با هدف جلوگیری از برقراری ارتباط با (چین)، راه (رومی‌ها) را بسته بود».

تفاوت بین هزینه‌های خرید و فروش و مالیات بر کالاهای مبادله شده که تاج و تخت اشکانی از آن برخوردار می‌شد، کم‌رنگ شود.^۱

بنظر معقول می‌رسد که بانژائو و اطرافیان وی برای جلب همکاری در تلاش برای رسیدن به قلمرو روم، رو به بازرگانان و طبقه حاکمه پادشاهی خاراسنه آورده باشند که در طی سالیان گذشته در برابر تمایلات اقتصادی خارجی روی خوشی نشان داده بودند و استقلال آشکاری از اوامر اشکانی داشتند. متأسفانه در هنگام ورود گان‌یینگ به مسنه و مأموریت اکتشافی وی، منطقه تحت اشغال نیروهای شاهنشاه بود که پایانی بر اوج تجاری خاراسنه و خودمختاری سیاسی گسترده آن بود.

در بین‌النهرین سفلی تحت اشغال، بنظر می‌رسد مأموران و بازرگانانی که فرستادگان چینی با آنها در تماس بودند، عوامل دولتی یا اشخاصی بودند که به دقت آموزش دیده بودند تا اطلاعات و پاسخ‌هایی در راستای منافع اشکانیان ارائه دهند. شاهنشاه پاکور دوم (؟)، که شاید بیش از همه پادشاهان درباره رقبای اقتصادی شاهنشاهی خویش نگران بود، مراقبت می‌کرد تا بازگشایی تماس‌های سودمند با امپراتوری آسمانی، خطر افول روابط بین دو امپراتوری را - با مانع‌شدن از عبور دیپلمات‌ها از قلمرو خویش - در پی نداشته باشد. در هر صورت او امکاناتی در اختیار داشت که باعث شد مأموریت ایشان به شکست بیانجامد.

گزارش گان‌یینگ چنین ادامه می‌یابد:

وی به تیانوژی در کنار دریایی بزرگ رسید. او می‌خواست از آن بگذرد، ولی دریانوردان مرز غربی آنشی (اشکانی) به او گفتند: «اقیانوس بزرگ است. آنها که به این سفر می‌روند، در صورتی که بادهای موافق باشند، آن را در طی سه ماه می‌پیمایند ولی اگر بادهایی مواجه شوید که شما را عقب برانند، سفر ممکن است تا دو سال طول بکشد. به همین دلیل همه کسانی که بسوی دریا می‌روند، برای سه سال ذخیره با خود برمی‌دارند. اقیانوس بزرگ انسان‌ها را به یاد وطن خویش انداخته، دلتنگ خانه می‌شوند و برخی از ایشان جان خود را از دست می‌دهند (tr. J. E. Hill).^۲

بنابراین راهنمایان با بهره‌گیری از جهل کامل گان‌یینگ از مسیرهای دریایی بسوی مصر که تحت سیطره روم بود و درباره آن پرسیده بود، به عمد روزهای لازم برای رسیدن را چند برابر می‌کردند و بدین وسیله چینی‌ها را از امکان رسیدن به روم از طریق خشکی (زمینی) - صرفاً با پی‌گرفتن رود فرات - مرز نزدیک با ایالت رومی سوریه، آگاه نمی‌کردند.

1. Alram, 2004, 55.

2. Hou Hanshou, cap.88.2918; Chavannes 1907, 177-178; Grasso 1966, 169; Tao 2007, 90-101.

گان‌یینگ که با چین خبرهای ناگوار و ناخوشایندی از ادامه سفر بازمانده بود، تصمیم گرفت به سرزمین خویش بازگردد و ماقع را گزارش دهد. پس از اینکه تلاش بان‌ژائو با شکست مواجه شد، امپراتور چین تصمیم به تجدید توافق با اشکانیان گرفت که در پایان قرن دوم پیش از میلاد در دورهٔ امپراتور وو^۱ (۸۷-۱۴۵ ق. م.) منعقد شده بود و پیشنهادی را پذیرفت که شاهنشاه اشکانی در ماموریت سال ۸۷ میلادی ارائه کرده بود. برای استحکام نظم تجاری که از نو برقرار شده بود، پاکور دوم که در منابع چینی با نام مانجو^۲ از او یاد شده است، هدایایی برای حاکم چینی فرستاد که در میان آنها شیرها و پرندگان از مرداب‌های مسنه بودند (۱۰۱ میلادی).^۳

تحقیقات تاریخی اخیر توانسته‌اند دانش ما درباره شاهنشاهی اشکانی را ارتقا دهند. در این باره نقش منابع چینی بطور اعم و گزارش گان‌یینگ بطور خاص، بی‌تأثیر نبوده است. بدیهی بنظر می‌رسد که شاهنشاهی اشکانی سیاست کاملاً تعریف‌شده‌ای در رابطه با تجارت در مسیر طولانی آسیای مرکزی داشته، سیاستی که هدف از آن تعمیق نقش این شاهنشاهی به عنوان واسطه بین روم و چین بوده است. پژوهشگران جدید در رابطه با دولت اشکانی توانسته‌اند پرتوی به ساختار و سیاست شاهنشاهی اشکانی و رای تعریف کلیشه‌ای ارائه شده از سوی منابع غربی بیندازند. از سایه‌های تاریخ دنیای باستان به تدریج امپراتوری نیرومند دیگری بین روم و چین پدیدار می‌شود: دشمنی مهیب برای اولی و رقیب تجاری حيله‌گری برای دیگری.

منابع و مأخذ

- Alram, M., 2004. The History of the Silk Road as reflected in Coins, *Parthica*, 6, pp. 47-68.
- Bivar, D.A., 1983. The Political History of Iran under the Arsacids, in: Yarshater E., *The Cambridge History of Iran, The Seleucid, Parthian and Sasanian Periods*, Cambridge, III, 1, pp. 21-99.
- Chaumont, M.-L., 1973. *Études d'histoire parthe II. Capitales et résidence s des premiers Arsacides (IIIe-Ier S. av. J.-C.)*, *Syria*, 50, 1973, pp. 197-222.
- Chavannes, E., 1906. Trois Généraux Chinois de la dynastie des Han Orientaux (Pan Tch ao (32-102 p.C.); ° son fils Pan Yong; ° Leang K in (112 p.C.). Chapitre LXXVII du Heou Han chou), *T'oung pao*, 7, pp. 210-269.

1. Wu

2. Manju

3. Hanschou, c.4.168

- Chavannes, E., 1907. Les Pays d Occident d aprs le Heou Han chou, *T'oung pao*, 8, pp. 149-234.
- Choissnel, E., 2004, *Les Parthes et la route de la soie*, Paris.
- D brwa, E., 1983. La *politique de l'état parthe à l'égard de Rome – d'Artaban II à Vologèse I (ca 11 – ca 79 de n. è.) et les facteurs qui la conditionnaient*, Uniwersytet Jagiellonski, Rozprawy Habilitacyjne 74. Kraków.
- Debevoise, N.C. 1938. *A Political History of Parthia*. Chicago .
- Dubbs, H., 1941. An Ancient Military Contact Between Romans and Chinese. *American Journal of Philology*, 42, pp. 322-30.
- Dubbs, H., 1942. A Military Contact Between Chinese and Romans in 36 B.C., *T'oung Pao*, 36, pp. 64-80.
- Dubbs, H., 1957. *A Roman City in Ancient China*, The China Society, London.
- Edwards, R.A., 2009. Federalism and the Balance of Power: China s Han and Tang Dynasties and the Roman Empire. *Pacific Economic Review*, 14, 1, pp. 1-21.
- Frye, R.N., 1984. *The History of Ancient Iran*, HAW III, 7. München.
- Grosso, F., 1966. Roma e i Parti a fine I inizio II secolo d. Cr. attraverso le fonti cinesi, in *Atti del Convegno sul tema: La Persia e il mondo greco-romano (Roma 11-14 aprile 1965)*, Accademia Nazionale dei Lincei, Roma, pp. 157-176.
- Hackl, U., Jacobs, B., Weber, D., 2010. *Quellen zur Geschichte des Partherreiches*. Göttingen.
- Haussig, H.W., 1992. *Die Geschichte Zentralasiens und der Seidenstrasse in vorislamischer Zeit*, Darmstadt.
- Hui, V.T., 2005. *War and State Formation in Ancient China and Early Modern Europe*, Cambridge University Press: New York.
- Leslie D.D. and Gardiner K.H.J., 1982. Chinese Knowledge of Western Asia during the Han, *T'oung pao*, LXVIII, pp. 254-308.
- Loewe, M., 1971. Spices and Silk: Aspects of World Trade in the first seven Centuries of the Christian Era, *JRAS*, pp. 167-169.
- Mittag, A., Mutschler, F., eds., 2008, *Conceiving the Empire: China and Rome Compared*, Oxford University Press: Oxford.
- Nodelman, S.A., 1960. A preliminary History of Characene, *Berytus*, 13, pp. 83-121.
- Posch, W., 1998. Chinesische Quellen zu den Parthern, in J. Wiesehöfer, *Das Partherreich und seine Zeugnisse, Beiträge des internationalen Colloquiums. Eutin (27.-30. Juni 1996)*, Franz Steiner Verlag, Stuttgart, pp. 355-364.

- Roberts, J., 2003. The Fall of the Roman and Chinese Empires Compared, *The complete history of China*, Sutton Publishing: Stroud.
- Scheidel, W., 2009. *Rome and China: comparative perspectives on ancient world empires*, Oxford University Press: Oxford.
- Schippmann, K., *Grundzüge der parthischen Geschichte*, Darmstadt, 1980.
- Schuol, M., 2000. *Die Charakene, Ein mesopotamisches Königreich in hellenistisch-parthischer Zeit*, Oriens et Occidens 1, Franz Steiner Verlag, Stuttgart.
- Tao, W., 2007, Parthia and China: a Re-examination of the Historical Records, in V.S. Curtis and S. Stewart, *The Age of the Parthians, The Idea of Iran*, vol. II, I.B. Tauris, London- New York, pp. 87-104.
- Walser, G., 1985. Die Route des Isidorus von Charax durch Iran, *AMI N.F.*, 18, 1985, pp. 145-156.
- Wiesehöfer, J., 1994. *Das antike Persien. Von 550 v. Chr. bis 650 n. Chr.* München, Zürich, 1994.
- Wiesehöfer, J., 2001. Griechen, Iraner und Chinesen an der Seidenstraße, in U. Hübner, J. Kamlah und L. Reinfandt, *Die Seidenstraße. Handel und Kulturaustausch in einem eurasiatischen Wegenetz*, Asien und Afrika 3, Hamburg.
- Wolski, J., 1993. *L'Empire des Arsacides*, Acta Iranica 32, Leuven, 1993.

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی